

نگاهی به کلاه پارسیان روزگار بنامشان

یحیی ذکاء

رئیس موزه مردم شناسی و استاد تاریخ لباس در هنر کده هنرهای تزیینی

ششایا گلپوش و کونگون ز قوام مختلف تاریخ و باستان، بجزکت بسیار بیشتر و با
زرد در طر سطله آرخ، نکات سحر مندر مطرح و روش شش بکله که زرد و بیه تاریخ پوشاک و باغ تمدن کتیک و شش
داز زده است اعتقادات، تشکلات، ابتکارات و شیرفتار آن را در راه زنگنه تاریخ سید
به نیز منظور ما در این شماره بجز تاریخ پوشاک پارسیان را که همه از روز در کارن حکم تاریخ و باستان به
نقلن میکنیم و امید داریم بتوانیم در آینده نیز از این گونه باجست علم و فنر که از نظر تاریخ تمدن و باستان
ارایع دارا در تپت بسیار است، بلا را که خلاصه ستار از سچاپ بریم .

دیگری می نگریستند، چنانکه هنوز هم آثار این توجه در میان بسیاری از اقوام جهان بازمانده، و کلاه در نزد آنان احترام مخصوصی دارد.

از زمانهای بسیار قدیم، نوع مخصوصی از کلاه فرمانروایان و پادشاهان که «تاج» نامیده می شود، رمز و نشانه بی از قدرت و مقام و افتخارات پوشیده آن بود و در ایران نیز از همان زمان باستان، تاج شاهان دارای معنای خاصی بود، بدین سان که شکل افسر شاهان نماینده گره آسمان و خورشید، تابش و درخشش گوهرهای گوناگون آن، نشانه بی از آتش یعنی سرچشمه زندگانی جاودانی بشر بود.

تاریخ استعمال کلاه و هر چه بدان ماند، بمنظور پوشاندن و نگاهداری سروسورت از سوز سرما و گرما و حوادث طبیعی دیگر، بروز گاران بسیار کهن بازمیگردد، و حتی مدارکی موجود است که نشان میدهد، مردمان وحشی غارتشین نیز کلاههایی از پشم و پوست جانوران ساخته، بسرمی نهاده اند.

اقوام باستانی، گذشته از این که از کلاه برای پوشاک استفاده میکردند، از آن برای آرایش سروسورت و نمایش خصوصیات قومی و تژادی و مذهبی و صنفی نیز سود می جستند، و از همان زمانها، این بخش از پوشاک آدمی، نسبت بدیگر بخشها، دارای ارج مخصوص و فراوانی بود و بان بادیده

جلوه و جمال تاج و چگونگی آن بیشتر با مقام دینی سلطنت ارتباط داشت و هر یک از بخشها و اشکال و نقوش آن با عقاید مذهبی آن زمان بستگی داشت و بهمین علت است که اغلب در ایران آنرا بصورت کره آسمانی ساخته و علائمی از ماه و خورشید و ستارگان و یا رموز مذهبی بر آن نصب می کردند. تاج کنگره دار شاهنشاهان هخامنشی نیز چنانکه خواهیم دید بصورت برج و باروی شهر یا کاخ و معبد ساخته می شد و رمز و علامت قدرت و حکومت و شهر یاری بود. موضوع بستگی تاج با امر سلطنت چنان است که رفته رفته خود شکل تاج و افسر، رمزی از برای مقام سلطنت و پادشاهی گردیده، برای نمایش این معنی بکار می رود.

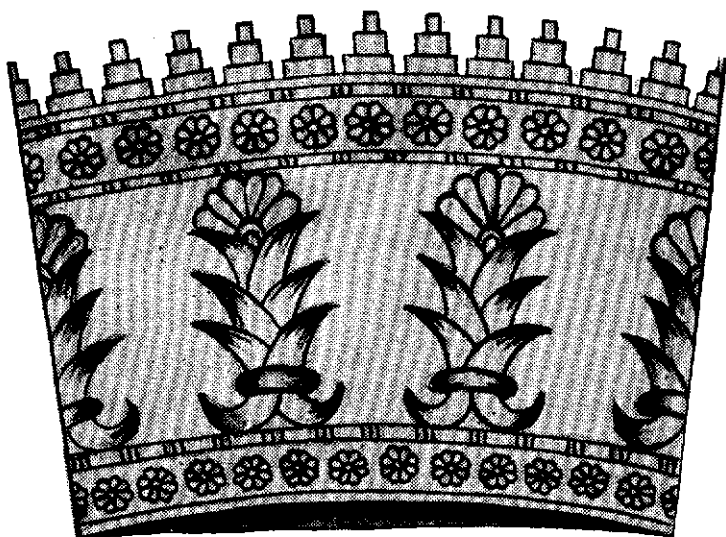
تاجها را معمولاً فرمانروایان و شاهنشاهان بر سر می نهادند ولی از نیم تاجها و دیبیمها و پیشانی بندها، شاهزادگان و بزرگان و نجبا استفاده می کردند، و اصولاً تاج در میان اقوام مختلف جهان بردو گونه بوده است یکی «تاج بسته» که دارای کلگی و طاق است و آرایشهایی از زر و زیور بر روی قبه و لبه و دیواره آن انجام می گیرد و سنگها و نگینهای گرانهای رنگین بر آن افزوده می شود و دیگری «تاج باز» که بدون کلگی و روباز است و گاهی تنها دو بست متقاطع از بالا، دیواره آن را بهم می پیوندند و آن همانست که ما در این گفتار نیم تاج و دیبیم نامیده ایم.

در دربار هخامنشیان نیز مانند تیره های باستانی دیگر، ارجح دارترین بخش پوشاک شاهنشاهان تاج آنان بود و همیشه یکی از بزرگان معتبر پارسی برای پاسداری و نگهبانی آن گمارده میشد و چنانچه از مطالب تاریخی مربوط بآن زمان بر می آید، استعمال من غیر حق تاج مانند پوشیدن جامه مخصوص شاهنشاهان، یک گناه نابخشودنی بشمار میرفت و هر کس مبادرت باین کار میکرد، بیگمان سر و گردن خود را حواله تیغ دژخیم می ساخت.

کوتاه سخن آنکه، در شاهنشاهی هخامنشی، گذشته از کلاه های گوناگونی که مردم و نژادها و تیره های مختلف شاهنشاهی بر سر می گذاشتند، خود پارسیان نیز در زمان و مکان و منصب های مختلف از کلاه های گوناگون استفاده می کردند و طبقات گوناگون مردم پارس از شاهنشاهان گرفته تا بزرگان و کارگزاران و لشکریان و توده مردم همه از این رهگذر، جداییهایی با هم داشتند که اینک شرح مفصل هر کدام در این گفتار خواهد آمد:

تاج شاهنشاهان هخامنشی

شاهنشاهان هخامنشی در مواقع مخصوص از جمله هنگام

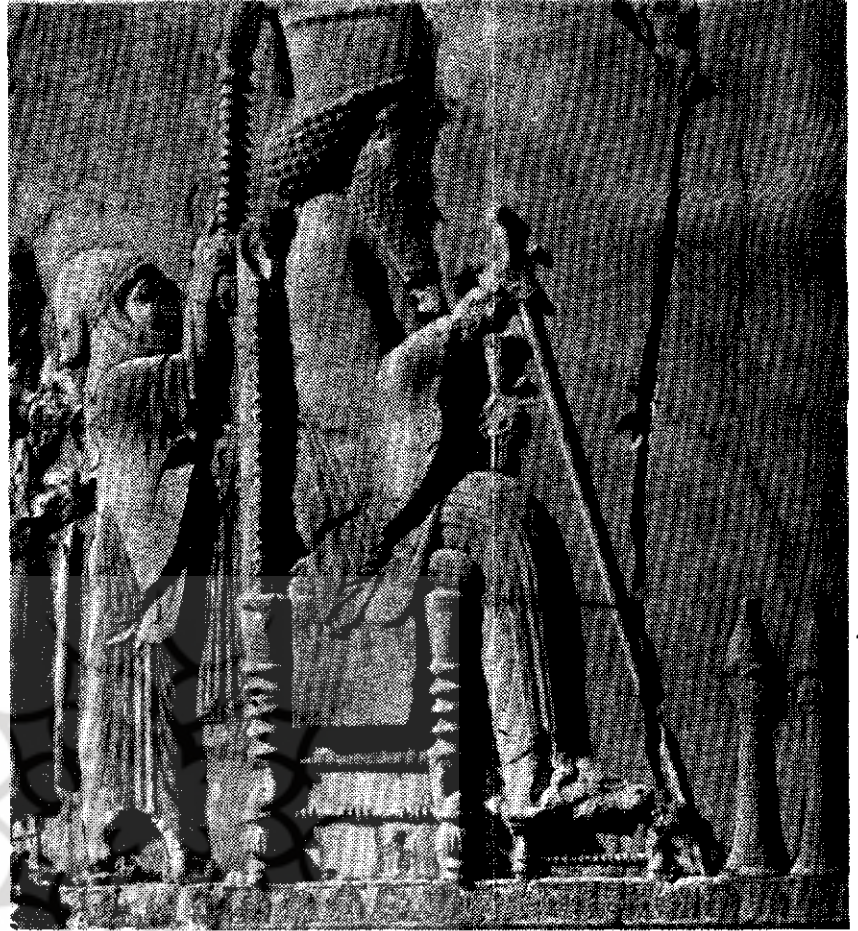


تاج زرین شاهنشاهان هخامنشی که با نقوشی بر مبنای تریبئات دوره هخامنشی، آرایش یافته است

نشستن بر اورنگ شاهنشاهی و بار دادن بزرگان و فرستادگان کشورهای دیگر و برخی مراسم ملی و مذهبی کلاه زرین بلند و کنگره داری بر سر می نهادند که برخی از تاریخ نویسان یونانی از زبان پارسیان آنرا «کوداریس» (Kydaris) یا «سیداریس» (Cidaris) نامیده اند لیک هرودوت و پلوتارخ آنرا «تیاره» (Tiara) نوشته اند.

از قرائن و آثاری که در نقوش تخت جمشید باز مانده است چنین پیداست که این تاج از ورقه های زر ساخته میشده است. تاج هخامنشی نسبت بکلاه های دیگر بلندتر بوده و لبه بالایی آن مانند ساختمانها و پرستشگاههای آن زمان از ۲۲ تا ۲۴ کنگره داشته است. این تاج بی گمان دارای آرایشها و زیورهایی بوده و چنانکه هر یکس در نوشته های خود آورده با صفحه هایی از زر و گوهر و نگینهای رنگین آراسته بوده است، ولی متأسفانه تاکنون، مدرک باستانی برای اثبات این موضوع بدست نیامده است.

در نقوش تخت جمشید در جاییکه شاهنشاهان را با تاج زرین نمایش داده اند در دوسوی نقش تاج، در سنگ، برای نصب روکش زرین، اندکی گودی بوجود آورده اند، گاهی نیز در متن برجسته تاج، روزنه هایی کنده اند تا روکش زرین را با میخ هایی که در پشت آن بوده بر روی سنگ نصب نمایند. بنابینوشته تاریخ نویسان، این تاج مخصوص شاهنشاهان بوده و دیگران حق بر نهادن آنرا نداشته اند و خود شاهنشاهان نیز تنها در مواقع معین و مخصوصی از آن استفاده می کرده اند، همچنین مواردی در نقوش تخت جمشید موجود است که نشان میدهد ولیعهدها نیز از این گونه تاجها - شاید با اندکی



بالا راست : نقش برجسته داریوش بزرگ در تخت جمشید که جای نصب تاج زرین در دوطرف کلاه او نمایانست
 بالا چپ : نقش برجسته شاهنشاه هخامنشی از تخت جمشید که جای نصب تاج زرین بر متن کلاه او دیده میشود
 پایین : تندیس سر خشایارشا با تاج کنگره دار



اختلاف - استفاده می کرده اند مثلاً در چند مورد در تخت جمشید دیده می شود که خشایارشا ولیعهد داریوش که هنگام نشستن شاهنشاه بر اورنگ شاهی در پشت سر با درپهلوی راست او می ایستاده است ، تاجی بمانند تاج شاهنشاه بر سر دارد .
 گذشته از گواهی نقوش تخت جمشید بر بودن چنین تاجی در دوره هخامنشیان ، برای اثبات این موضوع خوشبختانه مدرک دیگری نیز از همان زمان وجود دارد که اینک در موزه ایران باستان محفوظ است و آن تندیس (مجسمه) سربیک شاهنشاه جوان هخامنشی است که از سنگ لاجورد تراشیده شده و تاج کنگره داری بر سر دارد و چنانکه برخی نوشته اند شاید



داریوش با کلاه راسته بر اورنگ شاهنشاهی



تندیسه زرین یکی از شاهنشاهان هخامنشی با تاج و جامه پارسی

از دیوارهای بیرون میزده است. این کلاه از نمذ ساخته میشده و بنا به اشاره هزیکیوس (Hesychius) بامواد صمغی و معطر آغشته شده، با زرو گوهر آرایش می‌یافته است.

اینگونه کلاه را تاریخ‌نویسان یونانی با ترجمه تحت‌اللفظ «کلاه راسته» یا «تیار راسته» نامیده‌اند و شکل و بلندی آن تقریباً مانند تاج زرین هخامنشی بوده، با این تفاوت که این یکی در بالا کنگره‌بی نداشته است.

از این کلاه نیز در مواقع رسمی استفاده میشده و جنبه تشریفاتی داشته است، چنانکه در سنگ نگاره‌های درگاه‌های تالار صدستون نشان داده‌اند، شاهنشاه در حالیکه بر تخت پادشاهی نشسته و برای احترام مگس‌پرانی بر بالای سرش گرفته شده است، از همین کلاه راسته برسد دارد و چون در این نقش وماننده‌های آن، اثری از گودی و یا جای کوبیدن میخ دیده نمی‌شود، از این رو گمان نصب روکش زرین نیز نمی‌رود.

کنترت‌یاس در مورد کلاه راسته می‌نویسد: «فقط شاه حق داشت که تیار راست بر سر گذارد ولی اردشیر دوم، داریوش پسر و ولیعهدش را از این قاعده مستثنی داشت».

پلوتارخ نیز در این مورد می‌نویسد: «اردشیر پسر خود داریوش را که این زمان ۲۵ ساله بود بولیعه‌دی برگزیده باو

تندیسه جوانی خشایارشا است.

خصوصیات تاج - از بلندی و شماره کنگره‌ها - در این تندیسه کاملاً هویدا است ولی آرایش‌های دیگری بر روی آن دیده نمی‌شود و میتوان گمان برد که در این تندیسه نیز تاج دارای روکش زرینی بوده و آرایش‌ها بر روی آن انجام گرفته بوده است.

تاج شاهنشاهان هخامنشی دارای ارج و ویژه‌بی بوده، در دربار از بزرگان کشور برای نگاهداری و پاسداری آن نگهبان ویژه‌بی برگزیده میشده است و منصب «کلاه‌داری» شاهنشاهان یکی از منصب‌های بزرگ بشمار میرفته است، چنانکه هرودوت در کتاب خود «کلاه‌داری» را یک منصب والایی نام برده می‌نویسد:

«پرکراسب» شغل کلاه‌داری شاه را، که در ایران افتخار کمی نیست، داشت.

کلاه راسته

نوع دیگری از کلاه شاهنشاهان هخامنشی، کلاهی بوده بلند و ساده که گردی لبه بالایی آن اندکی از گردی لبه پایینی بزرگتر بوده، از این رو طاق آن در دورا دور کلاه، اندکی



داریوش بزرگ (۱) با کلاه راسته و روبان. از روی سکه هخامنشی موزة بریتانیا که چندین برابر بزرگتر شده است

بوده ، کلاه راسته بر سر می نهاده اند . چنانکه در بارگاه داریوش در تالار خزانه تخت جمشید ، در نقش باردادن هزار پت مادی دیده میشود ، داریوش و ولیعهدش خشایارشا هر دو کلاه راسته بلندی بر سر دارند ، و خود خشایارشا نیز هنگام پادشاهی ، در نقوش حرمرسرای تخت جمشید ، در چهار مورد با همین کلاه راسته بلند ، نموده شده است .

روی هم رفته از مطالعه نقوش تخت جمشید و نوشته های تاریخ نویسان چنین دانسته میشود که از کلاه راسته بلند ، در مواقع نیمه رسمی ، و از تاج زرین و کنگره دار بلند ، در مواقع تاج گذاری و تمام رسمی استفاده میشده و هر دو مخصوص شاهنشاهان و ولیعهد های آنان بوده است و بجز آنان دیگری حق نداشته از اینگونه کلاه بر سر گذارد

دیپیم

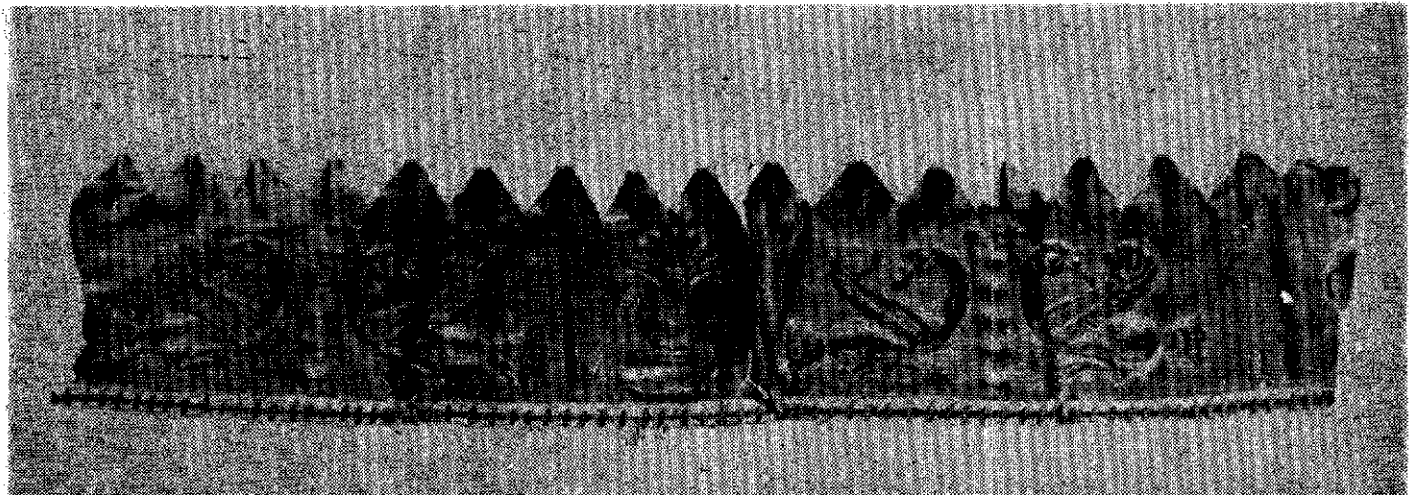
دیپیم که یونانیان آنرا «دپادما»^۱ نوشته اند عبارت بوده از نوار یا حلقه یی زرین ، تقریباً به بلندی چهار و پنج سانتیمتر ، با آرایش برگها و گل های زرین که برای جلوگیری از ریختن موها بچهره و پیشانی ، یا بعنوان نشانه پیروزی و افتخار ، شاهان و شاهزادگان و سرداران بزرگ بر سر می گذاشته اند . این رسم از روزگاران بسیار باستان در ایران و یونان معمول بوده ، حتی در ایران پس از اسلام نیز نشانه هایی از رواج این رسم سراغ داریم که در جای خود گفته خواهد شد . در آثار و نقوش دوره هخامنشی - بجز چند مورد - از شکل

اجازه داد که «کلاه راسته» چنانکه خود ایشان مینامند - بر سر گذارد» و باز در جای دیگری نویسد: «تری بازوس آتش بر روی آتش داریوش جوان افزوده همیشه او را تحریک کرده میگفت: این چه کلاه راسته بر گذاردن است که هرگز در کارها با شما شوری نمی شود» .

ولی برخلاف نوشته های این تاریخ نویسان ، مواردی در نقوش تخت جمشید بچشم می خورد که مدلل میدارد ، این استثنای تنها شامل حال داریوش پسر اردشیر دوم نبوده ، سایر ولیعهد ها از جمله خشایارشا نیز ، از این رسم وقاعده مستثنی

- ۱ - در علامت بالدار اهورامزدا نیز در هر جا که نقشی شده انسان و سلطان از این کلاه بر سر دارد .
- ۲ - در زبان پهلوی بصورت های Dydyma و Dydem در نوشته های تورقان دیده شده است ، بعدها در زبان لاتین وارد شده و بصورت Diademe تنها برشته مرواریدی که بدور پیشانی بسته میشود اطلاق گردیده است .

پیشانی بند زرین با نقش پرندگان و گل لوتوس بدرزای ۱۱ سانتیمتر . موزة بریتانیا





ووضع دقیق دیهیم‌های آن زمان نمونه‌ی در دست نیست ولی بیشتر تاریخ‌نویسان در نوشته‌های خود بارها از دیهیم‌های زمان هخامنشیان گفتگو کرده‌اند .

هرودوت در کتاب خود در مورد گذشتن لشکر خشایارشا از هلس پونت (بوغاز داردانل) می‌نویسد: «... مقدم بر همه عابرین ده هزار نفر پارسی بودند که بالتمام دیهیم‌هایی بر سر داشتند، از عقب آنها لشکری مرکب از مردمان مختلف عبور کرد. این‌ها روز اول گذشتند، روز دیگر اول سوارها و جنگی‌هایی گذشتند که نیزه‌هاشان را پایین گرفته بودند، افراد این قسمت هم دیهیم بر سر داشتند...»

۳ - ترجمانان انگلیسی در این مورد عبارت هرودوت را باواژه «Garland» که هم بمعنی تاج گل و هم دیهیم زرین است ترجمه کرده‌اند و شادروان پیرنیا آنرا در کتاب خود «تاج گل» ترجمه کرده است ولی چون موردی نداشت که سر بازار بهنگام لشکرکشی و جنگ تاج گل بر سر گذارند از اینرو مناسب‌تر آنست که آنرا بهمان معنی «دیهیم» که میتواند از زر یا فلز دیگر وحتى بشکل برگ و گل هم باشد - بگیریم .

بالا : داریوش بزرگ با دیهیم زرین از نقش برجسته بیستون
پائین : نقش مهر با تصویر شاهنشاه هخامنشی که بکتن یونانی را
با نیزه مضروب ساخته است





دریك هخامنشی با نقش شاهنشاه هخامنشی



نقش مهر عهد هخامنشی با تصویر شاهنشاه هخامنشی

دریك هخامنشی با نقش شاهنشاه هخامنشی



کهن‌ترین اثری از دیهیم، که در نقوش هخامنشی بجای مانده، در نقش برجسته بیستون است. چنانکه پیش از این هم گفته شد، در این سنگ نگاره داریوش و دوشاهزاده پشت‌سر او، دیهیم‌های زرین مشبک و نقش‌دار بر سردارند، با این تفاوت که دیهیم داریوش در لبه بالایی، دارای کنگره‌های هفت‌پلیدی است و دیهیم دوتن دیگر ساده و بدون کنگره است.

در روی برخی از مهرهای استوانه‌یی و سکه‌های دوره هخامنشی که بمناسبت‌هایی تصویر شاهنشاهان را کنده یا ضرب کرده‌اند، بیشتر آنان را با دیهیم‌های کنگره‌دار نشان داده‌اند ولی چون در اینگونه مهرها و سکه‌ها، میدان عمل برای کنده‌گران بسیار محدود بوده و نمی‌توانسته‌اند آزادانه جزئیات را کاملاً نمایش بدهند، از اینرو گاهی اشکال و تصویرهای پیچیده و مبهم بجای گذارده‌اند^۴.

دیهیم داریوش و دوشاهزاده هخامنشی در سنگ نگاره بیستون، از نظر شکل و آرایش بسیار قابل دقت و مطالعه است و چنین پیداست که اینگونه دیهیم گذشته از مشبک و نقش‌دار بودن، میناکاری نیز میشده است، چنانکه «کرتیوس روفوس»

۴ - در نقش مهر مخصوص داریوش که اینک در موزه بریتانیا نگاهداری میشود، شاهنشاه از این‌گونه دیهیم برس دارد.



دیهیم زرین ترک‌دار هخامنشی



دیهیم زرین مشبک و منقش‌کنگره‌دار هخامنشی از نقش برجسته بیستون

تقریباً به پهنای خود دیهیم ، قرار گرفته که شاید شماره آنها ، بشانزده کنگره میرسیده است و چنین پیداست که ، نصب کنگره در بالای دیهیم زرین ، مخصوص شاهنشاهان و شهبانوها بوده و شاهزادگان و دیگران دیهیم‌های زرین بی‌کنگره ، برسر می‌گذاشته‌اند .

در سنگ نگاره بیستون ، آرایش دیهیم شاهزادگان هخامنشی ، با دیهیم داریوش و همچنین بایکدیگر ، جدایی‌هایی دارد و نقوش آنها چنانکه در تصاویر کتاب نموده شده ، بگونه دیگری بوده است .

در بالا گفتیم که یک‌گونه از دیهیم‌های دوره هخامنشی - مانند دیهیم‌هایی که در میان یونانیان و رومیان معمول بود - بشکل حلقه‌هایی از شاخه و برگ و گل ساخته میشده است . اینگونه دیهیم را در زبان فارسی نوین «بَساک» نامیده‌اند و بناشواهدی ، حتی پس از اسلام نیز استعمال آن در ایران معمول و شناخته بوده است . در فرهنگ برهان قاطع می‌نویسد: «بَساک بفتح اول و ثانی و بالف کشیده و بکاف زده ، تاجی را گویند که از گلها و ریاحین و اسپرغمها و برگ‌مورد سازند و پادشاهان و بزرگان روزهای عید و جشن و مردمان در روز دامادی برسر گذارند» .

(Quintus Curtius Rufus) (حدود سده یکم میلادی) در تاریخ خود درباره دیهیم شاهنشاه هخامنشی می‌نویسد: «دیهیمی بود برنگ آبی و سفید» پیداست که این مطلب اشاره برنگهای مینا یا لعابهای رنگین نقوش روی دیهیم است .

از مطالعه آرایش و نقوش دیهیم داریوش در بیستون ، شاید بتوان آرایش تاج کنگره‌دار شاهنشاهان هخامنشی را نیز تصور و تخیل کرد و طرز نصب گوهرها یا زینت‌ها را بدست آورد . دیهیم داریوش در این نقش نوار زرینی است که یک زمینه پهن و در دوسوی زمینه دو حاشیه باریک دارد .

در آرایش متن دیهیم از گل‌ها یا ستاره‌های ۱۲ پر - که مانند آنها در آثار دیگر این دوره بفرآوانی دیده می‌شود - استفاده شده است و دوسوی این گلها یا ستاره‌ها ، بشکل هلال مشبک شده ، در میان هر دو ستاره یک بست لوزی بشکلی که در تصویر دیده می‌شود قرار دارد و دو حاشیه باریک ، بالا و پایین دیهیم را بیکدیگر می‌پیوندند . حاشیه‌های باریک دیهیم بوسیله سه خط مکرر که بفاصله‌های معینی از یکدیگر - مانند آرایش پایه‌های تخت و سنگ نگاره‌های دیگر آن دوره - قلمزنی شده است .

در لبه بالایی دیهیم داریوش ، کنگره‌های هفت پله‌یی

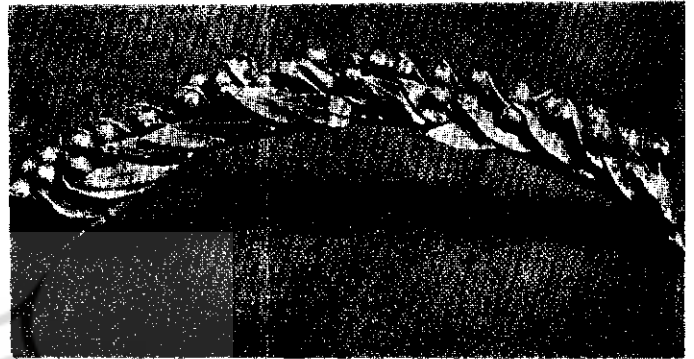
گرچه نمونه‌یی از بساک‌های دوره هخامنشی بر روی نقوش و تصاویر و کنده‌کاریهای آن دوره دیده نشده است، لیک خوشبختانه قسمتهایی از یک بساک زرین عهد هخامنشی در دو پارچه یکی بدرزای دو اینچ و سه چهارم و دیگری دو اینچ و هفت هشتم اینچ بدست آمده است که گذشته از اهمیتی که از نظر موضوع مورد بحث ما دارد، خود شاهکار زرگری و فلزکاری دوره هخامنشی است.

این بساک زرین جزو گنجینه‌یی بوده که چهل و اند سال پیش در همدان پیدا شده و اکنون شامل ۲۲ پارچه و متعلق به آقای «مارسل ویدال» در نیویورک است و بنا بر نوشته تاریخی که همراه آنها بدست آمده، بنام اردشیر پسر داریوش دوم بوده و در زمان او ساخته شده است.

خود بساک با شاخه و برگها و غنچه‌های لطیف درخت انار آرایش یافته و از نظر ظرافت و زیبایی از آثار ممتاز دوره هخامنشی است.

وجود این بساک زرین باین شکل و بدین صورت، کاملاً بر ما معلوم میدارد که استعمال حلقه‌های گل و برگ طبیعی نیز در جشنها و عیدها و یاهنگام بدست آوردن افتخارات و پیروزیهای بزرگ، در میان ایرانیان آن روزگار، معمول بوده و اختصاص به یونانیان و رومیان نداشته است و بهمین سبب این بساک زرین، به تقلید همان حلقه‌های گل و برگهای طبیعی ساخته شده و بهنگام لزوم مورد استفاده شاهان و بزرگان هخامنشی قرار میگرفته است.

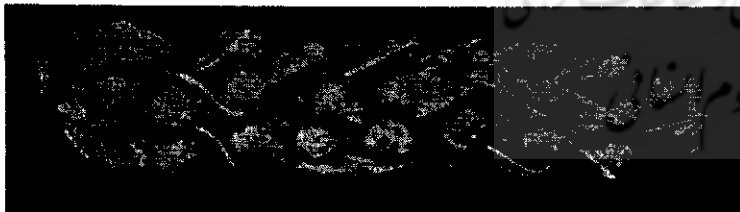
بساك زرین هخامنشی از بهلو



تصویر شاهزاده جوان هخامنشی با بساک زرین



دو بساک زرین هخامنشی از بالا





شاهنشاه هخامنشی با کلاه راسته ودیهیم

گذشته از دیهیم‌هایی که شرح دادیم، قطعه‌هایی از یک گونه دیهیم ترک‌دار زرین در تخت‌جمشید از زیر خاک بیرون آمده که اینک در موزه ایران باستان نگاهداری میشود. این دیهیم حلقه زرینی است که ترک‌های محدب تقریباً هلالی دارد و بلندی آن در حدود ۵ سانتیمتر و پهنای هر یک از ترک‌ها نیز، تقریباً بهمان اندازه است. هلال‌های محدب در قسمت بالا دارای روپوش باریکی است که تنها روی هلال یا (دالبر) های آنرا پوشانیده، و خود دیهیم بدون طاق و کلگی است.

چون از اینگونه دیهیم، در نقوش تخت‌جمشید و آثار دیگر هخامنشی، نمونه‌یی دیده نشده از اینرو از موارید بکار بردن آن ناآگاهیم، لیک میتوان گمان برد که، گاهی شاهان و شاهزادگان هخامنشی بجای کلاه حلقه‌یی نم‌دین - که سپس آن را شرح خواهیم داد - از اینگونه دیهیم زرین ترک‌دار استفاده میکردند.

شاهنشاهان و شاهزادگان هخامنشی گاهی کلاه نم‌دین راسته و دیهیم زرین را توأم بر سر می‌گذاشته‌اند، بدینگونه که قسمت پایین کلاه راسته را در درون حلقه دیهیم قرار داده، لبه پایین هر دو را برابر کرده سپس بر سر می‌نهادند، و در این مورد است که گزنفون، درباره کلاه کوروش، هنگام بیرون آمدن از کاخ خود در بابل نوشته: «تیار او را افسری احاطه دارد» و سپس افزوده: «خویشاوندان شاه هم این زیور را که امتیازی است دارا بودند، چنانکه امروز هم خویشاوندان شاه همین زیور را بکار می‌برند».

کلاه کوتاه یا حلقه نم‌دین

کلاه حلقه‌یی پاریسیان



بگواهی نقوش تخت‌جمشید، از این کلاه که حلقه نم‌دینی بوده تقریباً به بلندی شش سانتیمتر، هم شاهنشاهان و هم خدمتگزاران درباری استفاده میکردند. این کلاه چنانکه گفتیم از نم‌دین ساخته میشده و کلگی یا طاق نیز نداشته است، زیرا در نقوش تخت‌جمشید، در جاهای گوناگون، موی کله کسانی که از این کلاه بر سر دارند، بدقت نشان داده شده است. باینرسی در روی نقوش بالا، چنین دانسته میشود که شاهنشاهان در مواقع شکار و سواری و ورزش و بیکار - که بکار بردن تاج و کلاه راسته و دیهیم زرین موردی نداشته - از این کلاه حلقه‌یی استفاده میکردند که در نتیجه، هم از آشفته شدن موها و گیسهای فراوان آنان جلوگیری میکرد، و هم هنگام کار و کوشش بعلت سبکی و کوتاهی خود، جلوگیری بکار و فعالیت نمی‌گردید.

مثلاً در تخت‌جمشید، در تمام مواردی که داریوش



دوتن نگهبان پارسی با کلاه حلقه‌یی

وخشایارشا در حال پیکار با شیر و گاو و هیولا هستند، از این گونه کلاه بر سردارند و هیچگاه در این هنگامها از کلاه‌های دیگر سود نچسته‌اند.

خدمت گزاران دربارشاهی، نگاهبانان شاهنشاه، چماق - داران سرپله‌ها و پیشخدمت‌های مخصوص نیز همه در تمام موارد، از این گونه کلاه بر سردارند. برای مثال دیده میشود که:

۱ - کسانی که چتر و مگس‌پران و دستمال و ظرف دسته‌دار و درفش شاهنشاهی را در دست دارند همه از این کلاه بر سر نهاده‌اند.

۲ - پاسداران داخلی کاخ‌ها و تالارها که معمولاً با سپرهای نیبی یا ترکه‌یی و نیزه‌های بلند، در دوسوی درها و درگاه‌های تالارها ایستاده‌اند، از این گونه کلاه استفاده کرده‌اند.

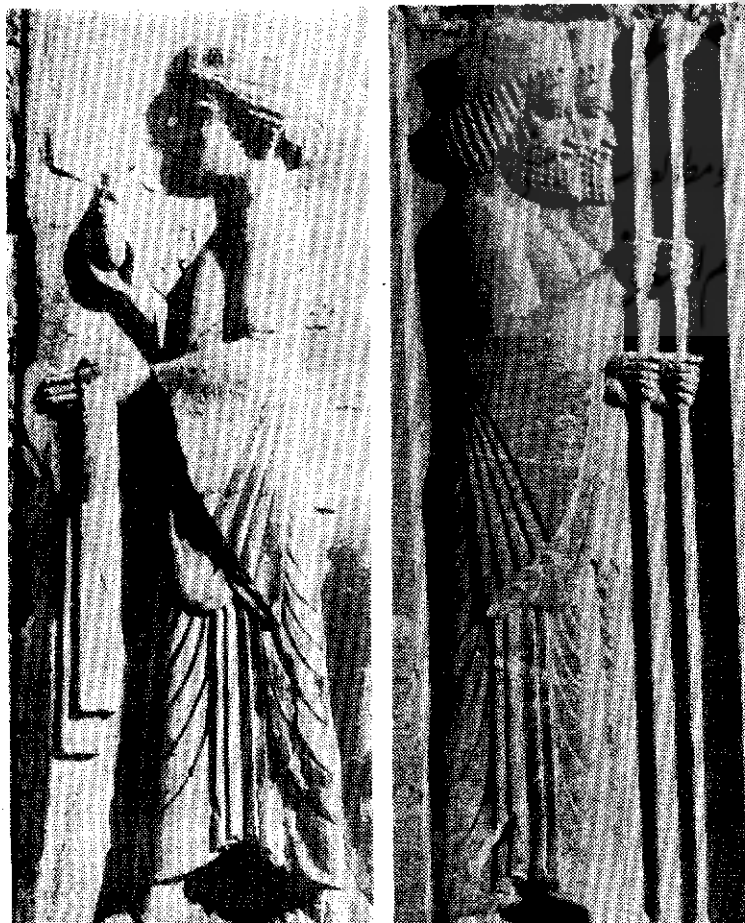
۳ - چماق‌داران شاهی، که در ایوانها و سکوهای تخت جمشید در دوسوی پله‌های کاخ‌ها، با چماق یا عصا و چوب - دستی‌های زرین و سیمین ایستاده‌اند، از این کلاه بر سر گذاشته‌اند.

۴ - نیزه‌دارانی که نگاهبانی شخص شاهنشاه را به عهده داشتند و هنگام نشستن او بر اورنگ شاهنشاهی، در چهار گوشه تخت رویشاهنشاه می‌ایستادند از این گونه کلاه بر سردارند.

۵ - پیشخدمت‌های مخصوص شاهنشاه، که معمولاً از میان جوانان کمال و زیباروی خانواده‌های معروف و فرزندان بزرگان برگزیده میشده‌اند و لوازم آرایش و نظافت شاهنشاهان سپرده بآنها بوده، شاه را تا اندرون یا تالارهای خصوصی همراهی میکردند، همه از این گونه کلاه بر سر نهاده‌اند.

بدینسان از دقت در نقوش تخت جمشید، این نکته بدست می‌آید که کلاه حلقه‌یی نم‌دین، مخصوص کسانی بوده که در جاهای سقف‌دار و سرپوشیده یعنی تالارها و ایوانها و شبستانهای کاخهای شاهنشاهی در درفت و آمد بوده یا برای وظیفه معینی گماشته میشده‌اند، شاهنشاهان نیز چنانکه گفته شد، در موارد بخصوصی از این نوع کلاه استفاده میکردند.

در اینجا باید توجه داشت که اختصاص کلاه معین برای هر کس و هر زمان، حاکی از برقراری یک گونه نظم و ترتیب خاص و مراسم و تشریفات محکم و دقیق در دربار شاهنشاهان هخامنشی است و نیز خود نمونه‌یی از پیشرفت زندگانی شهری و شهرگیری در میان ایرانیان آن روزگاران میباشد.



راست: نگهبانان مخصوص شاهنشاه هخامنشی با کلاه حلقه‌یی و جامه پارسی

چپ: خدمتگزار جوان با کلاه حلقه‌یی و جامه پارسی